

فساد گسترده؛ تهدیدی برای بقای حکومت وحدت ملی

سرمقاله

چرا در مبارزه با فساد ناکامیم؟

حفیظ الله ذکی

فساد دیگر نه به عنوان یک عمل مجرمانه که به صورت یک فرهنگ و یک اصل در ادارات افغانستان شناخته می شود و کارمندان دولتی بدون همکاری با باند های فساد و مافیای ثروت و قدرت قادر نیستند، کار خود را به درستی انجام دهند. امروزه عنکبوت فساد در تمام ادارات دولتی لانه کرده و اغلب کارمندان را در جال خود گرفتار ساخته است. متأسفانه مردم نیز این امر را پذیرفته و با دادن رشوه در تقویت و گسترش فساد کمک می کنند.

در سال های گذشته علاوه بر این که میلیاردها دالر از کمک های جامعه جهانی در چرخه فساد نابود گردیده، سالانه بیشتر از سه میلیارد دالر از جیب مردم به مقامات و کارمندان دولتی به عناوین مختلف رشوه داده شده است. این نشان می دهد که دامنه و عمق فساد در افغانستان تا کجاها رسیده است.

حکومت پیشین مبارزه با فساد را جزء اولویت های کاری اش برشمرد و برای مبارزه با فساد حدود ده کمیسیون، شورا و کمیته را تأسیس کرد. اما با تأسیس هر سازمان، مشکلات مردم در ادارات چند برابر افزایش پیدا می کرد و سطح رشوه خواری نیز تا چند برابر بالا می رفت. این شوراها نه تنها کمترین گامی را در راستای مبارزه با فساد برداشته است که خود به عنوان محور گسترش فساد تبدیل شده است و میلیون ها دالر دیگر از بودجه دولت به نام معاشات و امتیازات کارکنان این ادارات ضایع می شود.

با این که در هفت سال اخیر جامعه جهانی روی مبارزه با فساد از سوی دولت افغانستان تکیه و تأکید می کند و ادامه کمک ها را در عزم، اراده و تصمیم جدی حکومت در از بین بردن فساد می سازد؛ با آنهم اراده قاطع و جدی در این راستا قابل مشاهده نمی باشد. از نظر مردم و کارشناسان و تحلیل گران، حکومت اصولاً اراده جدی در مبارزه با فساد نداشته و تمامی وعده ها و کارکردها در این زمینه نمایشی و موقتی بوده است. سران حکومت وحدت ملی در زمان کمپاین انتخاباتی خود مبارزه با فساد را در اولویت سیاست های خود قرار داده بودند و با شروع کار حکومت نیز برخی حرکت های فردی و نمادین از سوی رییس جمهور آغاز گردید که همین امر سبب امیدواری مردم در عزم حکومت برای مبارزه با فساد اداری گردید. متأسفانه دیری نپایید که این امیدواری ها نیز مانند آرزوهای دیگر مردم این سرزمین در خاکستر قدرت طلایی، باندبازی و تبارگرایی خاکستر گردید. همین ناکامی بود که افغانستان در فساد اداری مقام دوم را در جهان احراز کرد.

اکنون سازمان های شفافیت بین المللی و دیدبان شفافیت افغانستان در تحقیق تازه ای اعلام کرده اند که بقای دولت افغانستان و تأمین صلح در این کشور به جلوگیری فوری از فساد، محدود شدن دخالت سیاسی و خویش خوری (تبارگرایی) و به محاکمه مفسدان بستگی دارد.

اینها معتقداند که قدرت در افغانستان توسط عده ای کوچک انحصار شده است و هیچ اداره ای از نفوذ و تأثیر این عده در امان نیست و این امر هم به دامنه و عمق فساد کمک کرده است و هم روند مبارزه با فساد را با چالش مواجه ساخته است.

به نظر می رسد که مشکل عمده مبارزه با فساد به افغانستان به چند عامل بستگی دارد:

- ۱- عدم اراده جدی حکومت برای مبارزه با فساد.
 - ۲- دخیل بودن مقامات بلند پایه حکومتی در تقویت و گسترش فساد.
 - ۳- ضعف نهادهای عدلی و قضایی و وابستگی آنها به دستگاه اجرایی و عدم استقلالیت کامل آنها در بررسی پرونده های قضایی.
 - ۴- فقدان انسجام و هماهنگی میان ادارات دولتی که در ارتباط با فساد اداری کار می کنند.
 - ۵- عدم یک سیاست جامع و دراز مدت که به صورت عادلانه همه جوانب قضایی فساد را در بر بگیرد.
 - ۶- معافیت های قضایی کسانی که به صورت گسترده در فساد متهم هستند.
- تا هنوز ما کمتر شاهد به دادگاه کشانیده شدن مقامات بلند پایه دولتی به اتهام فساد بوده ایم. اکنون نه جامعه جهانی امیدی برای مبارزه با فساد در افغانستان دارد و نه مردم به عزم و توانایی حکومت در این زمینه باور دارند.

یک و نیم دهه است که از دوران ظلمت طالبان فاصله گرفته ایم. یک و نیم دهه فرصت کمی نیست. در این دوره زمانی با وجود دستاورد ها، اما، نقطه ضعف های نیز داشته ایم. آزادی بیان، رشد معارف و تحصیلات عالی و شکل گیری رسانه ها و ... از دستاورد های یک و نیم دهه گذشته است. در این دوره زمانی اما، فساد جزئی لاینفک جامعه ما بوده است. فساد باعث هدر رفتن کمک های بین المللی شده است. کارآیی نهاد ها حکومتی را پایین آورده است. ناامنی را گسترش داده است. با این حال، مبارزه علیه فساد از سوی حکومت مرکزی هیچ نتیجه ای در پی نداشته است. اکنون تحقیق جدید از سوی دیدبان شفافیت افغانستان با همکاری سازمان شفافیت بین المللی در مورد فساد و نقش آن در ناکارایی نهاد های حکومتی انجام یافته است. این دو نهاد آورده است که فساد منجر به گسترش دامنه ناامنی و پایین آوردن مؤثریت حکومت در روند کشور های زیادی به افغانستان کمک مالی آنها همچنین آورده است که وجود فساد تهدیدی برای حیات حکومت نیز هست. چرا مبارزه با فساد نتیجه ای در پی نداشته است؟ آیا اراده سیاسی برای مبارزه با فساد وجود دارد؟

از زمان حضور جامعه جهانی در افغانستان کشور های زیادی به افغانستان کمک مالی نموده است. کمک های مالی این کشور ها به میلیارد ها دالر می رسد. اما میلیارد ها دالر کمک به افغانستان نتیجه ای در پی نداشته است. به دیگر سخن، جامعه ما آن طور که باید بازسازی می شد، نشده است. کمک ها هدر رفت. عامل اصلی هدر رفتن میلیارد ها دالر فساد گسترده در سطح مختلف جامعه ما می باشد. در یک بازه زمانی، بسیاری از کشور های کمک کننده به افغانستان پرداخت کمک های مالی خود را مشروط به مبارزه حکومت افغانستان با فساد نمود. حکومت حامد کرزی، کمیسیون مبارزه با فساد اداری و کمیسیون اصلاحات اداری را ب سه وجود آورد. با این حال، ایجاد

کمیسون ها هیچ نتیجه ای در پی نداشت. بعد از اینکه کشور های کمک کننده کمک های خود را مشروط به مبارزه حکومت افغانستان با فساد نمود، فساد های کلان دیگر از جمله قرضیه کابل بانک اتفاق افتاد. حکومت حامد کرزی نتوانست قرضیه کابل بانک را حل و فصل نماید. قرضیه کابل بانک تا دوره حکومت وحدت ملی باقی ماند. اشرف غنی، رئیس جمهور در نخستین روز های کاری خود فساد کابل بانک را یکبار دیگر روی زبان ها آورد اما، با گذشت یک و نیم سال از عمر حکومتش تا هنوز نتوانسته است قرضیه کابل بانک را به صورت کامل حل و فصل نماید. قرضیه فساد کابل بانک در دوره اشرف غنی دامنه دار شد. یکی از عوامل سسقوط کابل بانک از زندان بی بره اما برای افتتاح یک شهرک از زندان آزاد شده بود. این مسئله جنجالی شد. در نهایت، پای مشاور اقتصادی، نماینده خاص رئیس جمهور در امور اصلاحات و مشاور حقوقی رئیس جمهور کشانیده شد. در ارتباط با این مسئله وظیفه مشاور حقوقی رئیس جمهور به حالت تعلیق در آمد و در

رحیم حمیدی



نهایت، از وظیفه سبک دوش شد. با این حال، قرضیه کابل بانک همچنان لاینحل و مبهم باقی مانده است. جدا از قرضیه کابل بانک، اسناد و مدار منتشر شده که وزیران حکومت حامد کرزی میلیون ها دالر فساد نموده است. براساس گزارش های سیگار(اداره بازرسی ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان) تنها در وزارت معارف افغانستان میلیون ها دالر حیف و میل شده است. میلیون ها دالر به خاطر هزاران کتاب، معلم و دانش آموزان خیالی حیف و میل شده است. براساس سخنان رئیس جمهور، فساد گسترده در بخش تدارکات وزارت خانه ها باعث حیف و میل شدن میلیون ها دالر شده است. تقریباً پای همه وزارت خانه ها و کارگزاران بلند پایه آن ها در فساد درگیر است. با وجود اسناد و مدارک فساد مقامات بلند پایه حکومت قبلی اما، هیچ یک از آن ها از سوی حکومت کنونی مورد پیگرد قانونی قرار نگرفته است. وقتی پای دستاورد ها، ناکامی و شکست

نظام سیاسی محسوب می شود. در عین حال، حکومت وحدت ملی با وجود شعار های شیک که در دوران کمپاین انتخاباتی داده بود اکنون عملی ننموده است. تنها در اولین روز های کاری رئیس جمهور بزرگترین پرونده فساد مالی بازگشایی شد اما بعد آن حکومت وحدت ملی همانند حکومت قبلی مبارزه با فساد را فراموش نمودند.

در مبارزه با فساد دو مسئله وجود دارد. مسئله اول این است که اراده سیاسی برای مبارزه با فساد وجود ندارد. از آنجایی که فساد جزئی از ساختار سیاسی جامعه ما شده است، نخبگان سیاسی مبارزه با فساد را به نوعی فروپاشی و سقوط حکومت خود درک می کنند. به همین خاطر، هیچ گاه پرونده فساد گسترده مالی وزیران حکومت قبلی از سوی نخبگان کنونی مورد بررسی قرار نمی گیرد. این در حالی است که مردم از برنامه های حکومت برای مبارزه با فساد به شکل گسترده حمایت خواهد کرد. زیرا، فساد تأثیری زیاد بر زندگی شهروندان عادی کشور داشته است.

از طرف دیگر، هماهنگی لازم میان نهاد های مختلف حکومتی در امر مبارزه با فساد وجود ندارد. برای مبارزه با فساد نیازمند هماهنگی قوای سه گانه می باشیم. این در حالی است که میان سه قوه در امر مبارزه با فساد هیچ هماهنگی وجود ندارد. حداقل کمیته مشترک کاری میان سه قوه شاکل نگرفته است و با یکی از قوه های سه گانه گزارشی در مورد مبارزه با فساد ارائه ننموده است.

بنابراین، فساد گسترده موجب هدر رفتن کمک ها در یک و نیم دهه گذشته شده است. کارایی و مؤثریت حکومت را از میان برده است. اکنون فساد خطری برای حیات حکومت شده است. فساد نقش در افزایش و گسترش دامنه ناامنی نیز داشته است. از آنکه با گذشت یک و نیم دهه ما در رده بندی جهانی مقام برتر از در عرصه فساد داریم. دامنه فساد آن قدر گسترده است که اکنون خطری برای حیات حکومت و

زنان و کودکان، اولین قربانیان جنگ

شکور



برنامه ها و دستورالعمل های دولت مردم خود را عیار ساخته اند این دولت است که باید در جهت اعمال حاکمیت همه جانبه که از مهم ترین وظایف آن در برابر شهروندان دانسته می شود تمام تلاش و کوشش خود را بخرج دهد. اما با ناسف که نه تنها گزارش های نمایندگی سازمان ملل در کشور بلکه بسیاری از گزارش های داخلی و نیز واقعیت جاری نشان می دهد که آمار بلند و در حال افزایش قربانیان غیرنظامیان هم چنان در حال بلند رفتن و افزایش است و دولت با همه ادعاهای که نسبت به حفظ جان شهروندان و تأمین امنیت دارد تا کنون در این زمینه نتوانسته است که دست آورد قابل قبولی را داشته باشد.

نکته ای دیگر که در ارتباط با چنین گزارش های حایز اهمیت بوده و نگرانی ها را افزایش داده است این است میزان تلفات کودکان در میان سایر قشرهای غیرنظامی بیش از همه است. زیرا از یک سوی کودکان بصورت ناخواسته و اجباری و یسا فریب و تزویر به صحنه های جنگ کشانیده می شوند و یا این که در میادین جنگ و نقاط آرام به دلیل ناتوان بودن بسادگی قربانی جنگ و خشونت می گردند. قربانی شدن روز افزون کودکان در شرایط کنونی برای کشور و جامعه یک زیان جبران ناپذیر تلقی گردیده و برای مسئولین حکومتی نیز یک پرسش عمده و قطعی را در ارتباط با انجام مسئولیت های انسانی شان مطرح می سازد. از دست کودکان امروز به پنهان های واهی و جنگ های کور در واقع از دست دادن امروز و فردای جامعه است. به هر روی با صد درد و اندوه باید گفت

مخالفان مسلح بدون حمایت و هماهنگی برخی عناصر ناشناخته هرگز قادر به دست یابی به پیروزی های آنچنانی نخواهند بود. طالبان و گروه های تروریستی چون داعش هزاران فرد بی گناه را در این سرزمین به خاک و خون می کشانند و شهربان های حیات مردم را می درند و خون شان را بر زمین می ریزند؛ اما در این طرف، حکومت که مسئولیت حفظ جان و مال مردم را دارد یا بی تفاوت است و یا این که ناتوان از اقدام می باشد.

به هر روی چکیده گزارش های یاد شده نشان می دهد که روند امنیتی کشور متأسفانه روز به روز خرابتر شده می شود و در واقع وضعیت امنیتی و ثبات در کشور به مرز هشدار دهنده رسیده است. اکنون سخن از این که چند ولایت در جنوب یا شرق و یا شمال ناآرام است در میان نیست. بلکه سخن از یک بحران سراسری و جدی و خطرناک است. اگر از ولایت ها بگذریم و هنوز آنان را در معرض سقوط ندانیم، اما به جرأت می توان گفت بسیاری از ولسوالی ها یا سقوط کرده اند یا در معرض تهدید سقوط هستند. البته این ولایت ها یا ولسوالی ها محدود و منحصراً به این نیست که حتماً مخالفین مسلح در آنجا استقرار یابند. سقوط هر بخش از کشور به معنای آن است که وقتی حاکمیت مرکزی و حکومت در آنجا وجود نداشته و منطقه ای به حال خود رها شده و یا تحت کنترل نیروهای مخالف یا افراد مسلح غیر مسئول باشد این به معنای سقوط همان نقطه شمرده می شود. حقیقت امر آنست که پیش آمدن چنین شرایطی داشتند افغانستان شرایط بحرانی را پشت سر خواهند گذاشت و به امن و ثبات دست خواهند یافت جای تأسف و درد است. با توجه به مصیبت ها و دردهای که مردم طی سالیان متمادی متحمل شده اند و نیز شور و شوقی که برای استقرار نظام سیاسی گذشت و پنهان نباید کرد با نگاهی که هم اکنون به وضعیت آشفته و پریشان است؟ ملی انداخته می شود و سیاست های که در تقویت و بالایش روحی و عملی مخالفان اعمال می گردد این احتمال بیشتر پرتنگ احساس می شود که میباید بار دیگر کشور در دامنه بنیادگرایی و افراطیت سسقوط کند. چه هم اکنون باید به صراحت گفت که در درون نظام حاکم، به صورت آشکارا رگه های از افکار طالبانی پدیدار گشته و در حال رشد می باشد و در بسا مواردی بصورت مرئی و نامرئی از مخالفین حمایت می گردد. آنچه در کندوز و برخی از ولایت های دیگر رخ داده است نشان می دهد که



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگور دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: Thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷-۱۲۷

افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Magazine